

نوشته ها، مشاهدات، مقالات خود را برای ما به این آدرس بفرستید  
xyaban@gmail.com  
برای اشتراك روزانه با این آدرس الكترونيكي تماس بگيريد  
khyaboon@gmail.com

زنده باد حکومت مردم  
زنده باد مقاومت مردمی در برابر کودتا  
آزاد باد همه زندانیان سیاسی  
نابود باد گاردهای کشتار  
مرگ بر دیکتاتور

# خیابان

شماره ۱۱ سه شنبه ۹ تیر ۱۳۸۸



## پس از خامنه ای، قانون جمهوری اسلامی نیز کودتا را تأیید کرد



کمپین دفاع از حقوق  
زندانیان معترض آغاز  
به کار کرد

زیر پوست شهر  
گدازه های انقلاب  
زبانه می کشد



### زیر پوست شهر

امیر ک.

ممکن است با آنچه در روی پوست شهر به دیده می آید برخی نتیجه بگیرند که کودتا پیروز شده است و یکی از سیاه ترین عصرهای تاریخ ایران آغاز شده است. حکومت کودتایی قدمی پس نگذاشته است و با گسیل لشکریان تاریکی و تباهی خود به خیابان های اصلی، تلاش دارد حضور مقتدارانه خود را نشان دهد. بخش عمده ای از فعالین سیاسی و جوانان جسور کشور در کمپ های شکنجه زندانی شده اند و اخباری بسیار نگران کننده به گوش می رسد. حرکت مردم هنوز فاقد سازمان یافتگی است و متکی بر ابتکار عمل های سازمان نیافته و پراکنده است. گرگها به وحشیانه ترین شیوه می درند تا حکومت وحشت را در قلب ها تثبیت کنند. تلفن ها قطع می شود. برق قطع می شود. اینترنت مختل است و دروغ در بلندگوهای حکومت فریاد می شود. فاشیسم انسانهای بی گناه را جلوی چشم یک ملت می کشد و با وقاحت ارتکاب آن را به دیگران نسبت می دهد. روی پوست شهر سیاه، کثیف و چرکین است.

اما زیر پوست شهر چیزی دیگر جریان دارد. شور و اراده ای که مردم را ساعت به ساعت توانمندتر می کند. زیر پوست شهر اتحادها و همبستگی های مردمی رشد می کند و بافتی قطورتر و مستحکم تر می یابد. اگر چه هنوز پراکنده، اما مردم هر روز با ابتکار عمل های خود جوش خود بیشتر در سرنوشت خود دخالتگری می کنند. مردم در جمعیت خود زاده شده اند. قدرت با هم بودن و ضرورت آن را کشف کرده اند. بی ربطی حکومت را با آرزوها و سرنوشت خود دریافته اند. در فریادهای شبانه خود در پشت بام ها، تمام شهر به یکدیگر متصل می شوند و از هم سرنوشتی خود درک تازه ای به دست می آورند.

خامنه ای و حکومت کودتایی اش سرمست از تصاحب ثروت اجتماعی و متکی به گاردهای سرکوب موتوریزه ی خود، در خیال خام جاودانگی سرکوبند. اما تکان بزرگ روزهای اخیر در تاریخ گسل ایجاد کرد. آنکه در شهر است و در میان شهروندان، به خوبی و آشکاری می بیند که مردم تصمیم خود را گرفته اند. آنها پیروز خواهند شد.

### موج دستگیریهای مردم و جوانان همچنان ادامه دارد

بنابه گزارشات رسیده دستگیریهای گسترده و مستمر علیه مردم و بخصوص جوانان در سراسر ایران ادامه دارد.

یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر که تحت امر مسقیم ولی فقیه علی خامنه ای قرار دارند در سراسر ایران ادامه دارد. نیروهای گارد ویژه، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصیها (مامورین وزارت اطلاعات و اعضای سپاه پاسداران) همچنان به کشتار مردم بی دفاع ایران ادامه میدهند که تا به حال منجر به جان باختن و یا زخمی شدن تعداد بیشماری شده است. زخمی شدگانی که وضعیت آنها وخیم می باشد و ناچار به بستری شدن در بیمارستانها هستند توسط مامورین وزارت اطلاعات و حراست بیمارستانها از تخت بیمارستانها بیرون کشیده می شوند و به نقاط نامعلومی انتقال داده می شوند. آنها برای پنهان نگاه داشتن جنایت خود از افشای نام جان باختگان و زخمی ها خوداری می کنند. و خانواده های قربانیان را تحت فشار شدید قرار میدهند.

از طرفی دیگر موج دستگیریها هر روز ابعاد تازه ای بخود می گیرد. زندانها مملو از مردم دستگیر شده می باشند. نیروهای سرکوبگر علاوه بر زندانها افراد دستگیر شده را به پادگانهای پاسداران، پایگاههای بسیج و خانه های امن منتقل می کنند.

نیروهای یگان ویژه، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصی در روزهای اخیر تعداد بیشماری را در تهران و شهرستانها دستگیر و به نقاط نامعلومی منتقل کردند. آنها علاوه بر دستگیری گسترده شرکت کنندگان در تظاهرات خیابانی، شبانه به منازل مردم یورش می برند و آنهایی که ندای الله اکبر و شعار مرگ بر دیکتاتور سر می دهند را دستگیر می کنند و به نقاط نامعلومی منتقل می کنند.

نیروهای وزارت اطلاعات با حمایت یگان ویژه به منازل مردم یورش می برند و فعالین دانشجویی، اعضای خانواده های زندانیان سیاسی، خبرنگاران، فعالین حقوق بشری و اجتماعی را دستگیر می کنند و به نقطه نامعلومی منتقل می کنند.

اسامی تعدادی از دستگیر شدگان اخیر که بخش کوچکی از دستگیریهای گسترده و ادامه دار که گفته می شود در سراسر ایران به هزاران نفر می رسد به قرار زیر می باشد:

۱- اکبر آقایی ۲۷ ساله شنبه ۳۰ خرداد در خیابان آزادی دستگیر و به اوین منتقل شده

۲- امید خاتمی ۲۶ ساله دوشنبه ۲ تیر در میدان ونک دستگیر و به اوین منتقل شده

۳- علی عقیلی ۱۸ ساله چهارشنبه ۳ تیر در میدان بهارستان دستگیر و به اوین منتقل شده

۴- مسعود عسگری ۳۰ ساله چهارشنبه ۴ تیر در میدان بهارستان دستگیر و مکان نگهداری وی نامشخص تعداد زیادی از جوانان که در تظاهرات خیابانی دستگیر شده اند به زندان گهریزک که اردوگاه مرگ نامیده می شود انتقال داده شدند. جوانانی که در این اردوگاه برده می شوند در معرض خطر جدی مرگ قرار دارند. این اردوگاه که محل شکنجه وحشیانه و غیر انسانی جسمی و روحی و تحقیر های ضدبشری جوانان دستگیر شده می باشد. شکنجه ها در آنجا مرگ بار است و گزارشات زندانیانی که مدتی در این اردوگاه بسر بردندو به زندانهای دیگر منتقل شده اند شوک آور است. زندانیان فوق می گویند آخر هر هفته رادان شخصا با تعداد زیادی از پاسداران به گهریزک می آیند و زندانیان بی دفاع را تحت شکنجه قرار می دهند.

از طرفی دیگر اظهارات مقامات رژیم در روزهای اخیر حاکی از زمینه سازی برای اعدام جوانان دستگیر شده است و همچنین قرار دادن سعید مرتضوی که متهم به قتل زهرا کاظمی برای تحقیق از دستگیر شدگان نگرانیها را افزایش داده است

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، دستگیریهای گسترده و لاینقطع مردم در جریان اعتراضات خیابانی و یورش به منازل و دستگیری فعالین و انتقال آنها به نقاط نامعلوم را محکوم می کند و از دبیر کل سازمان ملل خواستار ارسال فوری یک هیئت تحقیق برای بررسی وضعیت دستگیر شدگان اخیر است.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران

۰۷ تیر ۱۳۸۸ برابر با ۲۸ ژوئن ۲۰۰۹

## گزارشاتی از زندان

### زندان اوین به دهه ۶۰ برگشت

افعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران : بنابه گزارشات رسیده از زندان اوین، تعداد بازداشت شدگان اخیر در بندهای مختلف زندان اوین به هزاران نفر می رسد.

دستگیریهای گسترده وبی سابقه مردم و جوانان معترض در بندهای مختلف اوین به هزاران نفر می رسد. بند ۲۰۹ مملو از دستگیر شدگان می باشد طوری که در هر سلول انفرادی نزدیک به ۶ نفر جا داده شده است . زندانیان سیاسی بند ۸ زندان اوین را تخلیه و به بند ۷ منتقل کرده اند و در این بند در حدود ۷۰۰ نفر از جوانان دستگیر شده اخیر در آن جای داده شده است این بند که ظرفیت ۱۵۰ نفر را دارد بش از ۷۰۰ نفر در آن جای داده اند.

سلولهای انفرادی بند ۲۴۰ و بند ۲۴۱ که ظرفیت آن یک نفر در هر سلول است در هر سلول آن ۳ نفر جای داده اند. زیر زمین بند ۷ که به آن بند قرنطینه گفته می شود مملو از جوانان دستگیر شده است بطوری که زندانیان امکان خوابیدن را ندارند بند قرنطینه زندان اوین معروف به بند البرز بیشترین تعداد زندانیان را در خود جای داده است. بطوری که زندانیان قادر به خوابیدن نیستند و تنفس را برای آنها مشکل کرده است. جوانان دستگیر شده که سن بعضی از آنها کمتر از ۱۷ سال می باشند توسط پاسداربندها تهدید به تجاوز جنسی می شوند.

جوانان دستگیر شده در موارد متعددی در بندها اقدام به شعار دادن می کنند و علیه‌رم وحشیگریهای پاسداربندها بارها به شعار دادن خود ادامه دادند. بنابه گفتهٔ زندانیان سیاسی در این بندها ابعاد دستگیر شدگان را فقط می توان با ایام بعد ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ مقایسه کرد و قطعا بیشتر از آن زمان می باشد.

### گزارشی از بند زنان زندان اوین و وضعیت دستگیر شدگان اخیر

مجموعه فعالان حقوق بشر علاوه بر بندهای ۲۴۰ و ۲۰۹ و ۲ الف زندان اوین ، بند عمومی نسوان این زندان بعنوان محل دیگری برای نگهداری بازداشت شدگان زن اعتراضات اخیر تهران مورد استفاده قرار گرفته است.

با توجه به اینکه این زندان تنها یک اندرزگاه را به زنان اختصاص داده است با موج گسترده بازداشت‌های اخیر که تعداد زیادی از زنان را نیز در بر گرفت، کمبود فضا و مکان در این بند عاملی برای افزایش فشار بر زندانیان شده است.

بنابر گزارشات دریافتی حدود شصت تن از زنان بازداشت شده به بند بیماران متادونی اندرزگاه ۳ نسوان منتقل شده اند، کمبود جا به حدی است که تعداد زیادی از زنان تازه منتقل شده تنها با یک پتو در راهروهای این اندرگاه اسکان داده شده اند.

راهروهای مذکور که به غیر از دهه شصت هیچگاه سابقه نداشته مورد استفاده قرار گیرد محیطی غیربهداشتی و نامناسب برای نگهداری زندانیان خاصه زنان زندانی است.

خانم مقدم و مریم عامری منجمله زنان زندانی در این بند هستند و البته بیتا صمیمی زاده و فریناز معیریان دو فعال دانشجویی نیز تا روز گذشته در این محل نگهداری می شدند که بنا به دلایل نامعلومی از دیروز به سلولهای انفرادی منتقل شده اند.

از دیگر نکات قابل توجه استقرار تعداد زیادی از زنان زندانی زخمی در بهداری این اندرزگاه است. لازم به ذکر است آمار فوق تنها بخشی از دستگیر شده گان روزهای اخیر را در بر می گیرد و در خصوص سایر بندها به دلیل شرایط امنیتی بی خبری بیشتری وجود دارد

دستگیرشدگان رویدادهای اخیر در زندان اوین نگهداری می شوند. دهها روزنامه‌نگار و وبلاگ‌نویس در میان آنها هستند. نهادهی پاسخگوی خانواده‌ها نیست. بیشترین نگرانیها در مورد زندانیان بند ۲۰۹ است. از این بند خبر شکنجه می‌رسد.



## اینان هراسشان زیگانگی ماست

**خیابان-** قرار تجریش را شنیده بودم. چند روز درگیری های پراکنده درس جدیدی به مردم داده همه باید با هم باشند، به تجریش که می رسم خیابان چون هر روز پر از مامور است از عابرین بیشتر. مردم چند تا چند تا ایستاده اسند. تجمع ممنوع است. مردمی که دیروز مجوز داشتند انقدر لت و پا شدند وای به حال امروز. گوشه گوشه شهر بحث میان مردم در جریان است. همه به هم روحیه می دهند و همدیگر را به حضور در صحنه تشویق می کنند. مسن تر ها هم مدام از جوانترها تشکر می کنند. صحنه های همبستگی مردم خاریست در چشم کودتاچیان. میادین مملو از نیروهای نظامی و لباس شخصی است هر کاری در نطفه خفه می شود. همین که غیر رسمی اعلام شد رنجیره انسانی از تجریش تا راه آهن تمام نیروها در این خط چندکیلومتری به صف شدند. تصمیم می گیریم حرکت کنیم. مردم تکی تکی و چند تا چند تا در حرکت اند. رهگذر عادی به نظر می رسند اما همه برای بودن آمده اند. مسافت طولانی تا پایین میدان تجریش را لباس شخصی ایستاده. تمام مغازه ها و پاساژها را بسته اند. لپ تاپ ها و موبایل های کسانی که مشکوک هستند می گردند. البته پیاده رو ها تا میدان ونک ازدحام زیادی ندارد. مقابل صدا و سیما هم همینطور است. جمعیت پراکنده حرکت می کند. اما این روزها بوق ماشین ها به خشم فرو خورده مردم تبدیل شده اند. ماشین ها را مردم پراکنده با دست تحریک به بوق زدن می کنند. میدان ونک هم با پادگان تفاوتی ندارد. نیروهای سرکوب گوشه گوشه آن حضور دارند. از ونک به پایین حرکت می کنیم در جاهایی که ازدحام کم است مردم بسیاری را در حال بحث با لباس شخصی ها می بینم. یک ردیف موتور از لباس شخصی می گذرد زنی فریادی می زند بچه های ما را نکشید لباس شخصی پیاده می شود و با او صحبت می کند.

خبرنگار با جلیقه press TV ترک موتور لباس شخصی از مردم فیلم و عکس می گیرد. قداره به دستان و جانین دوشادوش خبرنگاران سیما نقشه جنایت فردا را می کشند تف!

اما از میدان ونک به سمت ولی عصر حدود ۵۰ زن را می بینی که دوشادوش هم در حرکت اند و حتی به بسیجی ها هم لبخند می زنند و گاهی ماشین ها را به بوق زدن تشویق می کنند. جمعیت که آن ها را می بیند به وجد می آیند مردان کمی به آنان می پیوندند اما زنان مرتب افزوده می شوند. آن ها فقط راه می رفتند خیلی آرام و ساکت. اما این یگانگی جمع کوچک را نیز تاب نیاوردند. بسیجی با موبایل جلوی جمعیت شروع به فیلم برداری می کند و تهدید می کند همه شناسایی شدند اگر متفرق نشوند فردا صبح در خانه شان دستگیر می شوند. زنان مقاومت می کنند. اما هوا دارد تاریک می شوند و اوضاع خطرناک. برای این که کاملا هم به حرف بسیجی ها گوش نکرده باشند پیاده مسافتی را می روند و بعد از هم جدا می شوند.



## زنجیره ی غیر انسانی از تجریش تا راه آهن

رفتیم تجریش و آمدمیم پایین. تا چشم کار می کرد آدم نبود ولی رنگ سبز بود. متاسفانه به دلایلی از جمله نداشتن پاس امکان پیوستن به خیل عزیزان مقدور نبود. تبصره ۱: زنجیره انسانی نبود، چون از انسان تشکیل نشده بود. تعدادی برادر در زنجیره حضور داشتند.

پ.ن.۱: زنجیره آن طور هم که گفته میشه سبز نبود، بعضی جاها زرد مایل به خاکی بود. که مربوط به بخش نیروی زمینی قضیه است. بعضی از دوستان به توصیه پسرخاله ی اژه ای سیاه پوشیده بودند. (که ما هر چی می گفتیم اینها نیو و نتاپو می باشند کسی نمی پذیرفت) در بعضی جاها هم متاسفانه شلوارها زیتونی بود و پیراهن ها سفید با چرک زرد. در میدان ونک حدفاصل خدامی یا مقداری بعدش ساندیس (به احتمال زیاد آلبالو) توزیع شده و کلی آدم با شلوار و جلیقه جنگلی و ایضا تسلیحات فائقه په سلامتی کودتا در حال نوشیدن بودند.

پ.ن.۲: زنجیره کاملا منظم بود و در سکوت کامل داشت اعتراض می کرد. یک جاهای دم لونه ها تعدادشان زیاد بود که ما متاسفانه نفت همراه نداشتیم. تبصره ۲: برنامه مورد نظر از سوی همان قضیه پاسپورتداران ترتیب داده شده بود و به هیچ عنوان به کاندیدایی که پسرخاله محسنی اژه ای است و دیشب تو شبکه دو به او می گفت میرحسین ارتباطی نداشت.

پ.ن.۳: به دلایل نامعلومی نیروی انتظامی امروز با خودش هیچ برخوردی نکرد. در حالی که تجمع کنندگان بر خلاف اصل ۲۷ مسلح بودند و کلی وینچستر و باتوم و سایر اقلام به همراه داشتند.

خبرهای تکمیلی: نداریم، موبایل ها همه آنتن بیخ.

توضیح ضروری: رفتیم پایین و برگشتیم بالا. حدود ۹ برگشتیم بالا. حوالی تخت طاووس از ولیعصر آمدمیم بیرون. تجمع نیروی انتظامی کماکان ادامه داشت.

شایعات: می گویند زنجیره تشکیل شده، طولش هم ۳۷ کیلومتر (یا کیلوگرم الله اعلم) است. ما که بعید می دانیم. مگر همان زنجیره باشد که ما گفتیم.

خبر غیرمرتبط: دقایقی پیش شورای نگهبان صحت انتخابات را تایید کرد. ای داد بیداد. مجراهایی قانونی مون تموم شد. دیگه نداریم.

از وبلاگ وسوسه ای به نام بودن

## کمپین دفاع از حقوق زندانیان معترض شروع به کار کرد

در وبلاگ این کمپین آمده است:

« با اعتقاد به اینکه هر متهمی با هر درجه از جرمی که به وی نسبت داده شده حق دفاع از خود را داشته و حقوق انسانی افراد باید محترم شمرده شود در صدد برآمدیم تا با ایجاد این کمپین بدور از مسائل سیاسی از حقوق این افراد دفاع کرده و آنها را تحت پوشش تیم حقوقی که برای دفاع از حقوق آن ها اعلام آمادگی کرده اند قرار دهیم»

آدرس وبلاگ کمپین:

<http://azmcampeyn.blogspot.com>

[azmcampeyn@gmail.com](mailto:azmcampeyn@gmail.com)

### بیانیه اول کمپین دفاع از حقوق زندانیان معترض

در پی اعتراضاتی که به نحوه انتخابات دورهٔ دهم ریاست جمهوری در روز جمعه، ۲۲ خرداد در طی روزهای اخیر رخ داده است تعداد زیادی از تجمع کنندگان اعم از معترضین و فعالین حقوق اجتماعی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده و اکثریت آن ها اکنون در بازداشت به سر می برند. این در حالی است که اسامی بسیاری از آن ها اعلام نشده و از جای نگهداریشان اطلاعاتی در دست نیست و خانواده هایشان نیز به خاطر نا آشنایی نسبت به روند قانونی پی گیری و آگاهی از وضعیت افراد خانواده شان در سردرگمی و ناراحتی شدیدی به سر می برند.

با توجه به شرایطی که در بالا ذکر شد و با اعتقاد به اینکه هر متهمی با هر درجه از جرمی که به وی نسبت داده شده حق دفاع از خود را داشته و حقوق انسانی افراد باید محترم شمرده شود در صدد برآمدیم تا با ایجاد این کمپین بدور از مسائل سیاسی از حقوق این افراد دفاع کرده و آنها را تحت پوشش تیم حقوقی که برای دفاع از حقوق آن ها اعلام آمادگی کرده اند قرار دهیم.

کمپین دفاع از حقوق زندانیان معترض:

۱- خواستار اعلام اسامی تمامی زندانیان تجمعات اعتراض نسبت به انتخابات در اسرع وقت می باشد.

۲- خواستار حفظ حقوق انسانی و شهروندی متهمین می باشد.

۳- در صورت تشکیل دادگاه هر متهم حق دارد که از وکیل و یک دادگاه صالح برخوردار باشد.

۴- روند قانونی پیگیری جرمهای متهمین باید کاملاً شفاف و بر اساس موازین قانون آئین دادرسی، قانون حفظ حقوق شهروندی و همچنین مطابق با موازین بین المللی حقوق بشر باشد.

۵- زندانیان باید بتوانند در اسرع وقت با خانوادهٔ خود تماس بگیرند.

### بیانیه کانون دفاع از حقوق زنان وکودکان تهران در خصوص تحولات اخیر

متأسفانه بعد از انتخابات ۲۲ خرداد و اعتراض مسالمت آمیز و تجمعات آرام مردم شاهد برخوردهای خشونت بار و خونین پلیس امنیت با شهروندان بودیم، که باعث برهم خوردن بیشتر اوضاع و گسترده تر شدن موج اعتراضات مردم و تبدیل تجمعات آرام به فضای ضرب و شتم پلیس با آنان گردید.

درحالیکه طبق اصل ۲۷ قانون اساسی که تجمعات آرام را حق شهروندان می داند و ممنوعیتی ندارد، علاوه بر کشته شدن تعداد زیادی از جوانان، تعداد بیشتری دستگیر و روانه زندان شده اند. که امید می رفت که مسئولین نسبت به رعایت این حق برای شهروندان منصفانه تر عمل نمایند.

در این راستا، کانون دفاع ازحقوق زنان وکودکان تهران با اعتقاد به اصل احترام به حقوق شهروندان و رعایت حقوق بشر، تمامی برخوردهای خشونت بار را محکوم کرده و خواهان آزادی تمامی دستگیرشدگان و خواستار رفع نگرانی خانواده های آسیب دیده هستیم و حمایت خود را از کمپین آزادی زندانیان معترض اعلام می نمائیم.





## برای تهران و برای پاریس: ضدیت با نامشروع بودن قدرت، انقلاب اجتماعی، آزادی کمونیستی!

(توضیح: بیانیه زیر از سوی انجمن بین المللی کارگران منتشر و به زبان فرانسوی در پاریس توزیع شده است. انجمن بین المللی کارگران نسخه ای از بیانیه خود را برای روزنامه خیابان ارسال کرده است که ترجمه آن را در این جا منتشر می کنیم)

ایدئولوژی مسلط، ایدئولوژی قدرت، میخواهد به ما تفهیم کند که دموکراسی انتخاباتی بالاترین شکل قدرت نمایی مردم است.قدرت حاکم مشروعیت خود را از شرکت مردم در انتخابات کسب میکند. اما ایرانیان برخاسته اند تا این دروغ را برملا کنند. انتخابات آنگاه که منافع قدرت مسلط را تامین نکند، مورد تاییدش قرار نمیگیرد. مردم تنها حق دارند آنچه را قدرت مسلط تایید میکند را بر زبان جاری کنند. زمانی که چنین نیست، قدرت مسلط از تمامی توانش، از تقلب و فریب استفاده میکند که موقعیتش را حفظ کند. در ایران، نتیجهٔ انتخابات خلاف واقعیت است. در اروپا در سال ۲۰۰۵، نتیجه انتخابات را زمانی پذیرفتند که نتیجهٔ فرزندوم با انتظارات قدرت حاکم مطابقت داشت (چرا که پروژه هایش را نمیتواند بدون اتصال به انتخابات پیش ببرد).

ایرانیان ، پیرو جوان، از رسوایی این دروغ به خشم آمدند. قدرت مسلط مشروعیت خود را از تسلیم ما به دیکتاتوری خویش بر افکارمان کسب میکند. با نه گفتن خود را از چنگ این جنگ روانی رها باید کرد، دیگر هراسی نیست، طغیان در مقابل این نظام شکننده ، اولین قدم برای رهایی انقلابی گری است.

در این معنا، ایرانیان شورشی، در مقابل اپوزیسیون دست نشانده راه را بما نشان میدهند و آن خیابان هاست.

در فرانسه، نتیجه آخرین انتخابات اروپاییان نشان میدهد که قدرت در اینجا نیز همانند ایران مشروعیت ندارد.. نتیجه انتخابات اخیر نشان داد که با وجود تحریم ۶۰ درصد مردم، سازمانهای سیاسی و تمام گرایشات موجود، نتیجه انتخابات تنها خود نظام را نمایندگی میکنند. قدرت در اینجا نیز مشروعیتی ندارد.این انگل زندگی ما را به غارت برده است و تنها یک گسست از این نظام میتواند مارا نجات دهد و آزادی و استقلاللمان را به ما برگرداند. باید تنها به نیروی خود متکی باشیم.به نیروی خود اطمینان داشته باشیم. ما همه چیز هستیم، همه چیز را ما تولید میکنیم، بدون ما این سیستم نابود است.

در همبستگی با ایرانیان شورشگر، برای پایان دادن به دیکتاتوری و قدرت جنایتکار یک بار برای همیشه!!

برای تهران و برای پاریس: ضدیت با نامشروع بودن قدرت، انقلاب اجتماعی، آزادی کمونیستی!
انجمن بین المللی کارگران
۱۰۸ خیابان دارمون ۷۵۰۱۸ پاریس
contact@cnt-ait.info

## مبارزه برای دموکراسی و سیدگره های مرتضی علی! (بخش دوم)

سعید الف

(مطلب ارسال شده برای خیابان)

چهره ی دیگری که رنگ سبز «سیدی» را برگزیده، فرخ نگهدار رهبر سازمان فدائیان اکثریت است.او که شخصیتی منحصر به فرد است که تاریخچه ی زندگی سیاسی اش حکایت از همکاری با دستگاه های امنیتی –اطلاعاتی جمهوری اسلامی و ک گ ب در شوروی سابق دارد، چرا اکنون با کمک بی بی سی، بنگاه سخن پرآکنی هیأت حاکمه ی بریتانیا در لباس سبز سیدی بیشترین کوشش خود را می کند تا مطالبه های دموکراتیک مردم ایران در چارچوب حفظ نظم موجود باقی بماند؟! آیا عملکرد «نگه دار» در راستای سیاست دولت بریتانیا برای حفظ نظم موجود نیست؟ بی تردید آمریکا، بریتانیا و دولت های

اروپای متحد از گسترش موج آزادی خواهی مردم ایران در خاورمیانه هراس دارند. چرا که امکان دارد که جنبش عظیم توده‌ای برای دموکراسی و استقرار حاکمیت مردم ایران به عربستان، مصر، اردن، کویت، امارات و… سایر کشورهای استبدادی طرفدار غرب نفوذ کرده و موجب گسترش مبارزه برای دموکراسی و نتیجتاً ضربه به منافع شان گردد.

اما در این میان، فرخ نگهدار چه نقشی را می تواند ایفا کند؟ آیا او وظیفه ی خود را خوب می داند؟

فرخ نگهدار در زمان رژیم شاهنشاهی به خاطر ارتباط با گروه بیژن جزنی که یکی از برجسته ترین شخصیت های سیاسی تاریخ معاصر ایران بود، دستگیر شد. گروه جزنی در نقد خط مشی فرص طلبانه و سازشکارانه ی حزب توده و در گسست با آن شکل گرفته بود. جزنی به همراه امیر پرویز پویان و مسعود احمدزاده از بنیان گذاران سازمان چریکهای فدایی خلق به حساب می آمد. بهرحال، جناب فرخ نگهدار در زندان با اعضای حزب توده نزدیک شد و برخلاف مشی ضدتوده ای بنیان گذاران سازمان چریکها، تحت تاثیر آن حزب قرار گرفت و توده ای «مخفی» شد.

در پروسه ی فروپاشی رژیم پادشاهی، صدها هزار تن از جوانان، کارگران و زنان تمایل به آرمان های چپ و بسیاری گرایش به سازمان چریکهای فدایی خلق پیدا کردند. اما باید به یاد داشت که در مبارزه با رژیم مستبد شاهنشاهی تقریبا کلیه ی کادراهی اصلی و رهبری سازمان چریکهای فدایی خلق تا سال ۱۳۵۵ جان باخته بودند. سازمان چریکهای فدایی خلق در این دوره ی انقلابی که منجر به قیام بهمن ماه شد، به خاطر پیشینه ی مبارزاتی علیه رژیم شاه، به عنوان بزرگترین سازمان چپ در ایران مطرح گردید. متأسفانه در آستانه ی انقلاب ۵۷سازمان چریکهای فدایی خلق به خاطر ضربات سنگین دستگاه پلیسی شاه مجهز به یک سازماندهی درست و بابرنامه و استراتژی روشن نبود. در چنین فضایی بود که نقش فرخ نگهدار به عنوان عامل مخفی حزب توده در میان چریکهای فدایی اهمیت یافت. او با کمک حزب توده توانست با نیرنگ و «تقلب» رهبری این سازمان را به دست بگیرد. نقی حمیدیان یکی از کادراهی رهبری سازمان فداییان اکثریت در کتاب خود «سفر با بال های آرزو» تقلب انتخاباتی فرخ نگهدار را افشا می کند. او می نویسد که چگونه فرخ نگهدار با کمک دستیارانش، در انتخابات برای تعیین رهبری سازمان چریکهای فدایی خلق تقلب کرد و آرای یکی از چریکهای قدیمی به نام «هادی» را به حساب خود واریز کرد. شوخی تاریخ این است که همین جناب فرخ نگهدار منقلب، هم اکنون پرچمدار «سبز»ها برای مبارزه علیه تقلب در انتخابات دهمین دوره ی ریاست جمهوری شده است!!

اما گذشته ی این فرد تنها به تقلب در انتخابات سازمان چریکها و ربودن رهبری ان سازمان کاهش نمی یابد. فرخ نگهدار یک انشعاب در سازمان چریکها به حمایت از «خط امام» به راه انداخت و «اکثریت» دستچین شده ی کادر رهبری را به سوی پشتیبانی از جمهوری اسلامی کشاند. او با این کار ضربه ی جبران ناپذیری به جنبش رادیکال چپ علیه دارودسته ی خمینی وارد کرد. البته نگهدار این کار را بدون پشتیبانی سران کارکشته ی حزب توده نمی توانست بکند. سپس حزب توده و سازمان فداییان اکثریت به رهبری فرخ نگهدار و علی کشتگر در همکاری با سرکوب های رژیم اسلامی علیه مردم ایران از هیچ کاری کوتاهی نکردند. به نحوی که سازمان اکثریت حتی به لودادن مخالفان جمهوری اسلامی پرداخت. در نشریه کار ۱۲۸ اکثریت به تاریخ ۲۰ مهرماه ۱۳۶۰ نوشتند:

« نیروهای امنیتی انتظامی (جمهوری اسلامی) و همه ی سازمانها و نهادهای انقلابی (حزب توده و اکثریت) وظیفه دارند با این شبکه های تروریست و بمبگذار به مقابله برخیزند و فعالیت خود را برشناسایی و دستگیری عوامل واقعی ترور و شبکه عملیاتی تروریستها و کسانی که در این عملیات شرکت دارند، متمرکز سازند.»

خوش خدمتی های سازمان فداییان اکثریت (و حزب توده) منحصر به لودادن نشد و فعالانه دوش بدوش بسیجی ها و سپاه پاسداران در سرکوب مسلحانه مخالفان جمهوری اسلامی شرکت داشت. در نشریه کار اکثریت شماره ۱۴۷ (۱۴ بهمن ۱۳۶۰) نوشتند:

« فداییان خلق (اکثریت) و نیروهای حزب توده ی ایران از همان نخستین لحظات یورش مهاجمان ضد انقلابی (ضدجمهوری اسلامی) دوش بدوش مردم و نیروهای بسیج سپاه و دیگر نیروهای انتظامی شهر بافداکاری در سرکوب و دفع مهاجمان فعالانه شرکت داشتند. دو تن از رفقای ما و حزب (توده) در حوادث آمل توسط مهاجمان ضدانقلابی (منظور گروه مانوئیسستی سربداران) از ناحیه شکم و سر مجروح شدند که هم اکنون در بیمارستان بستری هستند.»

فرخ نگهدار و سازمان اکثریت مُبلَع شعار «سپاه پاسداران باید به سلاح سنگین مسلح شوند!» بود. هاشمی رفسنجانی اشاره کرده است که در اوج کشت و کشتارهای دهه شصت خورشیدی به طور مرتب با رهبران حزب توده (واز طریق حزب توده با اکثریت) در ارتباط بوده است و اطلاعات مربوط به فعالیت نیروهای مخالف جمهوری اسلامی را بدینوسیله دریافت می کرده است. در همان دوران، فرخ نگهدار از جمله رهبران سازمان فداییان اکثریت بود که خواهان یکی شدن و پیوستن سازمان فداییان (اکثریت) به حزب توده شده بود.

رژیم خمینی، پس از سرکوب مخالفان خود دیگر نیازی به

باری حزب توده و فداییان اکثریت نداشت. پس از مدت کوتاهی کیانوری (رهبر حزب توده) و فرخ نگهدار پاداش جنایات خود و همکاری در لغو حقوق دموکراتیک مردم ایران را گرفتند!اما، یورش جمهوری اسلامی به حزب توده و فداییان اکثریت پایان ماجرا نبود. به اعتراف ناخدا انور از رهبران حزب توده، تا مدتها بعد از دستگیری کادراهی

اصلی این دو جریان، چند نفر از رهبران حزب توده که دستگیر نشده بودند در برلین پایتخت آلمان شرقی سابق با مقامات سفارت جمهوری اسلامی هنوز در رفت و آمد بودند!

اما سرنوشت گربه ی مرتضی علی (اکثریتی) به کجا کشید؟

این طبیعی بود که بسیاری از کادراهی سازمان اکثریت نسبت به خط مشی رهبری و به ویژه نقش فرخ نگهدار در ضربه هایی که آن سازمان خورده بود، معترض باشند. در نشست هایی که در تبعید از طرف فداییان اکثریت در افغانستان، شوروی و بلوک شرق سابق برگزار می شد بیشتر آنها به سیاست های حزب توده و رهبری سازمان اکثریت انتقاد داشتند. اما همیشه اتوریته استالینی شوروی سابق و ک گ ب به نجات توده ای ها و فرخ نگهدار می آمد و آن دسته از اعضا و هواداران معترض توده ای – اکثریتی که گریخته بودند را با تهدید به بازگرداندن به ایران و یا قطع امکانات، مرعوب و خاموش می ساختند. متأسفانه، به جز تعداد اندکی، بسیاری از کادراهی حزب توده و اکثریت که به نقش رهبری حزب و سازمان خود در حمایت از رژیم اسلامی و شراکت در سرکوب حقوق دموکراتیک مردم ایران واقف بودند و انتقاد داشتند، تا به حال دست به افشاگری و شناساندن عوامل شراکت در جنایات جمهوری اسلامی نزنه اند. دلیل آن واضح است. زیرا در چنین تشکلات مخوفی، هرکس به سهم خود در همکاری با دستگاه های امنیتی رژیم اسلامی نقشی داشته و به اصطلاح همه از یکدیگر «آتو» دارند.

بی آبرویی فرخ نگهدار و سازمان اکثریت بدان جا کشیده شده است که تا چندی پیش هواداران سازمان اکثریت در ایران، این طور در محافل هنری، فرهنگی، دانشجویی، زنان و کارگران وانمود می کردند که فرخ نگهدار را به خاطر گذشته ی ننگین اش از سازمان خود اخراج کرده اند. اما، اخیرا فرخ نگهدار در گفتگویی در بی بی سی آب پاکی بر روی دستان شان ریخت و به عنوان « رهبر سازمان فداییان اکثریت» مصاحبه کرد! البته این ترندند «جدایی» را قبلأ همه ی احزاب بحران زده ی وابسته به شوروی سابق طی هفتاد هشتاد سال گذشته به کار برده اند. برای مثال، به آذین از مترجمان و نویسندگان سرشناس توده ای بود که پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ادعا می کرد که به عملکرد حزب توده منتقد است و هیچ ارتباطی با ان حزب ندارد. بدین ترتیب و با این نیرنگ بسیاری از فعالان سیاسی را که به حزب توده انتقاد داشتند را در درون یک تشکل مجزای دیگر به نام سازمان دموکرتیک مردم ایران سازمان داد. اما در نخستین فرصت، در دوره ی انقلابی ۵۷ به آذین و گروه پیرامون اش سر از حزب توده درآوردند ؟!

به موضوع اصلی بازگردیم. باید خاطر نشان ساخت که تعداد اندکی از کادراهی سازمان فداییان اکثریت دست به افشاگری برخی اعمال ننگین نگهدار زده اند. یکی از آن ها بهروز حقی است. وی افشا کرده است که در نشست‌ی که در جمهوری آذربایجان برای رسیدگی به عملکرد فرخ نگهدار و شرکاء و اصولا خطی مشی سازمان فداییان اکثریت تشکیل شده بود، عده ای از اعضا که عمدتا از ایران آمده بودند، به فرخ نگهدار شدیداً اعتراض داشتند. بهروز حقی می نویسد که معترضان سازمان اکثریت پس از بازگشت به ایران همگی دستگیر شدند. بهروز حقی مدعی است که همگی آنها توسط فرخ نگهدار به مقامات جمهوری اسلامی لو داده شده اند.

چندی بعد، با فروپاشی شوروی استالینی و دستگاه مخوف ک گ ب، حزب توده و فرخ نگهدار و سازمان اکثریت «بیتیم» و بی سرپرست شدند. با این وجود، جناب گربه‌ی مرتضی علی، هفت جان داشت و از رو نرفت و به انگلستان عزیمت کرد و «سوسیال دموکرات» شد. مدتی بعد استالینیست دواتشه سابق سر از لیبرالیسم درآورد و به «اتحاد جمهوری خواهان» پیوست. جالب اینجاست که سیدگربه ی ما هنوز خود را متعلق به جنبش «فداییان» می داند؛ همان جنبش رادیکالی که علیه رژیم شاه برخاست، علیه نیروهای وابسته به امپریالیسم آمریکا و انگلیس خروشید و برگ زرینی در تاریخ مبارزاتی مردم ایران علیه خودکامگی به جا گذاشت. از یک سو، فرخ نگهدار و سازمان اکثریت، برای تحمیق نسل جوان رادیکال، خود را میراث خوار «قهر فدایی» و مبارزات جزنی ها، پویان ها، احمدزاده ها و حمید اشرف ها می داند. اما از سوی دیگر، دربرابر خشونت وحشیانه ی رژیم اسلامی و جهان سرمایه داری نازک دل شده و به نقد «قهر انقلابی» و لودادن گروه های به زعم خود «خشونت طلب» می پردازند.

عملکرد سی ساله ی نگهدار و شرکاء نه تنها خیانت به آرمان های بنیان گذاران سازمان چریکهای فدایی خلق بوده است، بلکه او حتی در سرکوب دموکراسی و زیرباگذاشتن حقوق دموکراتیک مردم ایران همگام با جمهوری اسلامی شریک و مقصر است.

این اواخر، فرخ نگهدار، به کارهای «فرهنگی و هنری» نیز روی آورده است؛ از آنجا که او و دستیارانش خود را هم متعلق به جنبش سبز سیدی می دانند و هم میراث خوار جنبش فدایی هستند، سرود انقلابی «شب اومد زمستون» را برای کارزار انتخاباتی جناب میرحسین موسوی تنظیم کردند!ا فرخ نگهدار و نوچه هایش اصلا به روی مبارک نمی آورند که هزاران انقلابی سوسیالیست و آزادی خواه با خواندن دسته جمعی همین سرود به پیشواز مرگ رفتند و در قتل گاه های رژیم خمینی جان باختند.

پس بنابراین جای تعجب نیست که اکنون پس از به کار افتادن تلویزیون فارسی بی بی سی، از فرخ نگهدار به عنوان «کارشناس» بلندگوی دولت بریتانیا استفاده می کنند. بی شک بی بی سی و صدای آمریکا بی طرف نیستند. پرسیدنی است که چرا بی بی سی فارسی برای حفظ «بی طرفی» بنگاه خود همه ی بودجه ای که از

کیسه ی مالیات دهندگان بریتانیایی به دست آورده است را هزینه ی نوابع و تحلیل گران «فرهیخته ای» از قبیل نگهدار می کند؛ «کارشناس» تحلیل گری که از خط امام علیه «لیبرال»ها حمایت می کرد، سیاست بازی که معتقد بود که سپاه پاسداران را برای سرکوب مردم باید به سلاح سنگین مجهز نمود، نظریه پرداز ی که با روی کار آمدن خاتمی «اصلاح گرا»، قصد داشت «کاروان بازگشت به ایران» راه بیندازد، البته که در مسیر حفظ منافع جهان سرمایه داری و حمایت از سیاست های وزرات خارجه ی بریتانیا و امریکا قرار دارد. بی بی سی و فرخ نگهدار همان قدر «بی طرف»اند که براون نخست زیر بریتانیا و اوباما رئیس جمهوری آمریکا بی طرف اند! درهمین راستا، هنگامی که شاعر معاصر اسماعیل خویی در گفتگو با بی بی سی، همکاری سازمان اکثریت با دستگاه های سرکوب جمهوری اسلامی را افشاء کرد، بی بی سی صحبت آقای خویی را برای حفظ «بی طرفی» سانسور کرد!

http://www.erkinlik.org/ahzabeSartasary/tahrifeAksaryat۰۲۰۹.htm

دگردیسی فرخ نگهدار از عامل حزب توده، خبرچین جمهوری اسلامی و جاسوس ک گ ب به کارشناس سیاسی بی بی سی و کنترل کننده ی جنبش «سبز»ها، نشان از پشتک و واروهای متعدد و جان سختی این گربه ی منحصر بفرد مرتضی علی دارد که همواره کمر به خدمت دولت‌مردان مستبد و جهان خوار می بندد.

\*\*\*

اشاره شد که با آشکارشدن تقلب ها و «مضحکه» ی انتخاباتی دارودسته ی خامنه ای – احمدی نژاد، و آغاز موج اعتراضی «خودجوش» در ایران و سپس در سراسر دنیا، گربه ی فربه ی مرتضی علی با لباس سبز سیدی آشکار شد. فرخ نگهدار، هم اکنون، با استفاده از تریبون بی بی سی و شبکه ی حزب توده – اکثریت بیشترین تلاش خود را به کار می بندد که اعتراض های گوناگون داخل و خارج از کشور را در مجراهای کنترل شده ی حفظ نظام جمهوری اسلامی «نگهدار»ی کند؛ براساس چندین گزارش رسیده از جنبش اعتراضی در لندن، پاریس و جاهای دیگر فرخ نگهدار و یاران اش، تظاهرکنندگانی که به حمایت از جنبش اعتراضی مردم ایران برخاسته و خواهان گسترش دموکراسی اند، و در پی ایجاد صفی مستقل از سبزه‌ها در تظاهرات هستند را به جرم «اغتشاش گر» به پلیس معرفی و از اجتماعات اعتراضی اخراج می کنند! بهرحال او بار دیگر ثابت کرد که تحر زیادی در همکاری با پلیس دارد. بدون تردید، فرخ نگهدار درس های طرفداران «خط امام» را هنوز از حفظ است. جنبش چپ و مردم دگراندش ایران هیچگاه خاطره ی تظاهرات تاسوعا و عاشورا در سال ۱۳۵۷ را از یاد نمی برند که چگونه دارودسته ی خمینی، دسته های دگراندیش را به صفوف اصلی تظاهرات به بهانه نقض «وحدت کلمه» راه نمی دادند و از هر وسیله ی خشونت باری برای حذب صدای متفاوت آزادی خواهان و برابری طلبان استفاده می کردند.

آیا امکان دارد که فردی مانند فرخ نگهدار که در سرکوب های وحشت بار رژیم اسلامی ایران شراکت داشته، از سیستم تک حزبی کشورهای بلوک شرق سابق تا پای جان پشتیبانی کرده و بدون این که به گذشته ی خود حتی انتقاد جدی کرده باشد، یک شبه دموکرات بشود؟! شاید امکان آن برای برخی از انسان های خطاکار که ذره ای از انسانیت بو برده باشند، وجود داشته باشد. اما فرخ نگهدار با «حقوق بشر» و دموکراسی بیگانه است. مضافا این که باید تاکید کرد که اشتباه سیاسی را نباید با سرکوب حقوق دموکراتیک دیگران که امری حقوقی و جنایی است یکسان دانست. کسانی که حقوق دموکراتیک دیگران را لغو کرده و موجب حبس، شکنجه، اعدام دگراندیشان شده اند از نظر حقوقی و جنایی مورد بازخواست قرار دارند. خون ندا و هزاران جان باخته ی دیگر نباید مورد معامله ی کسانی قرار گیرد که خود از عوامل سرکوب و کشتار مردم ایران بوده اند.

دموکراسی طلبی و آزادی خواهی دروغین انواع سید گربه های مرتضی علی، نیرنگی است تا برای یک دوره ی تاریخی دیگر نسل به پا خاسته ی جوان، رشید، شجاع و قهرمان ایران را در چارچوب خفقان حاکمیت روحانیت اسیر سازند.

پنجشنبه ۴ تیرماه ۱۳۸۸

✽ فهرست مشارکت سازمان فداییان اکثریت با دژخیمان جمهوری اسلامی بسیار طولانی است. کسانی که با این تاریخچه آشنا نیستند می توانند به دو مقاله ی تحقیقی مهم که توسط آقای علی اکبر شالگونی نوشته شده و در سایت روشنگری منتشر شده است، مراجعه کنند.

http://www.roshangari.net/as/categ.cgi?art=aliakbarshalgooni

### پل الوار شعر آزادی

<span>روی دفتر های مدرسه ام</span>		<span>روی نیمکت ام</span>
<span>روی ماسه</span>		<span>روی برف</span>

روی گل بوته ها
روی خاطره های کودکی ام
نام ترا می نویسم

روی همه صفحه های خوانده شده
روی همه صفحه های سفید

روی سنگ روی خون
نام ترا می نویسم

روی شگفتی شب ها
روی نان سفید روزها
روی فصول دلدادگی

روی دریاچه سرخوش مهتاب
روی کشتزارها
روی افق
روی بالهای پرنندگان

روی هر نفس سپیده روی دریا
روی اسفنج ابرها
روی دانه های عرق طوفان

روی باران سنگین کسالت آور
روی چیزهای براق
روی ناقوس رنگها

روی حقیقت ساده
نام ترا می نویسم

روی چراغی که روشن است
روی چراغی که خاموش
روی خانه های باز یافته ام

روی شعله های سرخ آتش
روی پناهگاه های ویران شده
روی دیوارهای دلتنگی ام

روی درگاه خانه ها
روی چیز های خودی
روی غیبت نا خواسته

روی تنهایی برهنه
نام ترا می نویسم

روی همه بدن های موزون
روی پیشانی دوستانم
روی هر دستی که دراز می شود

نام ترا می نویسم
**آزادی**

روی لبان در انتظار مانده
روی گام های مرگ بر فراز سکوت

نام ترا می نویسم

روی گذرگاه های بیداری
روی راه های گشوده
روی مکان های پر ازدحام

نام ترا می نویسم

و با قدرت یک کلمه
زندگی ام را دوباره آغاز می کنم
زاده شده ام ترا بشناسم

نام ترا بر زبان بیاورم

نام ترا می نویسم

و با قدرت یک کلمه
زندگی ام را دوباره آغاز می کنم
زاده شده ام ترا بشناسم

نام ترا بر زبان بیاورم

نام ترا می نویسم

و با قدرت یک کلمه
زندگی ام را دوباره آغاز می کنم
زاده شده ام ترا بشناسم

نام ترا بر زبان بیاورم



## عمق بر خوردهای غیر انسانی با بازداشت شدگان

## به روایت شاهدان

فعالان حقوق بشر در ایران : آنچه در پی می آید اظهارات تعدادی از بازداشت شدگان روزهای اخیر است که به تازگی از محل های مختلفی

آزاده شده اند، مجموعه گفته های این افراد را جهت تنویر افکار عمومی و بیان عمق نگران کننده وضعیت بازداشت شدگان با کمترین ویرایش و به صورت تیتروار بدون اشاره به هویت بازگوکننده (به دلیل مسائل امنیتی) در ادامه ذکر می کند :

شاهدان عنوان می نمایند : برخی از بازداشت شدگان با سند ۵۰ میلیون تومانی و برخی به قید کفالت و چنانکه شنیده شده برخی نیز با پرداخت پنجاه هزار تومان آزاد شده اند. برای تعداد زیادی از آنان در دادگاه

انقلاب پرونده تشکیل شده است. هنوز تعداد زیادی در بازداشت به سر می برند و بسیاری خانواده ها از سرنوشت عزیزانشان بی خبر هستند و معلوم نیست که کشته شده اند یا در کجا زندانی هستند.

در ادامه :

۱. چنانکه تصور می شود مردم فقط حین تظاهرات بازداشت نشده اند. عده بسیار زیادی هنگام خروج از ایستگاه مترو یا پیاده شدن از تاکسی یا حین تردد در خیابان هایی که از محل تظاهرات دور بوده بصورت عابر معمولی توسط پلیس دستگیر شده اند. عده ای نیز با حمله وحشیانه به منازلشان نیمه شب با شکستن درب منزل و ضرب و شتم و توهین از رختخواب بیرون کشیده و بازداشت شده اند. حتی خانواده یک جوان ۱۶ ساله گفته اند که وی هفته قبل با گذاشتن سند آزاد شده ولی نیمه شب قبل لباس شخصی ها به منزلشان حمله کرده و با شکستن در، وی را از رختخواب بیرون کشیده و با ضرب و شتم برده اند.

۲. در میان بازداشت شدگان افراد مختلف از اقشار مختلف از جوانان و مردم عادی تا اساتید دانشگاه و نخبگان اجتماعی هستند که در نقاط مختلف بصورت فله ای بازداشت شده اند. شخصی گفته که من برای خریدن بستی با لباس منزل خارج شدم و حین برگشت بستنی به دست دستگیر شده ام. برخی اشخاص مشهور نیز در میان بازداشت شدگان دیده شده اند که شاهدان از جمله نام خانم مهتاب نصیرپور را عنوان می دارند.

برخی اتباع خارجی در زندان اوین مشاهده شده اند. یک نفر سیاه پوست و یک ترک در زندان اوین دیده شده اند که حتی زبان فارسی بلد نیستند. یک نفر حین رساند همسرش به بیمارستان برای زایمان بازداشت شده و از حال همسرش خبری ندارد. یک دندان پزشک با یورش به مطب اش بازداشت شده است. یک بسیجی هم در میان بازداشت شدگان بوده که چون ظاهرش شبیه بسیجی ها نبوده بشدت هم مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. وی عنوان می داشته که حتی کارت فعال بسیج دارد. شاهدین عنوان می دارند تعداد زندانیان به قدری زیاد است که از زندانیان عادی به عنوان زندان بان استفاده می کنند و به علت کمبود جا زندانیان بصورت فشرده و در هم لولیده می خوانند. و خطر بیماری های جمعی وجود دارد.

۳. بازداشت شدگانی که حتی در خارج از تظاهرات دستگیر شده اند از همان ابتدا وحشیانه و به قصد کشت با چوب و باتوم و باتوم برقی مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته اند. یک لباس شخصی به ران پای یکی از زندانیان با کلت از نزدیک گلوله شلیک کرده است. دستگیرشدگان در مراکز اطلاعات، پایگاه های بسیج، مراکز پلیس ، زندان های مشخص یا مکان های نامعلوم شکنجه شده اند. شکنجه های بسیار شدید و وحشیانه و بی حد و حساب در بازداشتگاه های بسیج و اداره آگاهی خیابان وحدت اسلامی دیده و شده است. در انتهای همین مطلب انواع شکنجه که دیده و شنیده شده است را خواهیم آورد.

۴. به کسانی که قبل از بازداشت یا حین ضرب و شتم با سلاح سرد یا ابزار شکنجه یا گلوله مجروح شده اند رسیدگی پزشکی نمی شود. حتی اجازه رساندن دارو به بیماران خاص توسط خانواده هایشان داده نمی شود. وضع بسیاری از زندانیان وخیم است. یک نفر که بینی اش با باتوم شکسته گفته که وقتی گفتم نیاز به پزشک دارم با پوتین توی صورتم لگد زدند.

۵. بازجوئی های بسیار طولانی مدت و بی وقفه چندین ساعته ( ۷ یا ۱۲ یا بیشتر ) انجام می شود. در این بازجوئی ها به اشکال مختلف می خواهند اعراف به اتهامات واهی از بازداشت شدگان بگیرند. همچنین تلفن همراه و ایمیل بازداشت شدگان را اجبارا می گیرند و تمامی آنها و ارتباطات و دوستان شان را کنترل می کنند.

۶. پس از آزادی وسایل بازداشت شدگان تحویل آنان نمی شود. گفته شده شخصی را با یک لباس زیر و دمپائی از زندان رها کرده اند.

۷. ظاهرا آزارهای جنسی هم وجود دارد که این نگرانی در خصوص زنان زندانی و زندانیان سیاسی بیشتر است. خصوصا که با توجه به فرهنگ ایرانیان این موارد گفته نمی شود و جنازه های تحویل داده شده توسط پزشکی قانونی بی طرف بررسی نمی شود.

۸. وضع روحی زندانیان و آزادشدگان مناسب نیست. برخی زندانیان از شدت ضرب و شتم و صحنه های دلخراشی که دیده اند نمی توانند بخوانند. شاهد در نزدیکی خود چند مورد تشنج حین خواب گزارش کرده است. بطوری که بسیاری بهتر می دیدند که اصلا نخوانند و که راحت تر باشند.

انواع شکنجه و ضرب و شتم بازداشت شدگان:

بازداشت شدگانی که توسط بسیج و لباس شخصی دستگیر شده اند از هنگام دستگیری بشدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. سپس در بازداشتگاه های اطلاعات و سپس بسیج و نهایتا قبل از زندان اوین به اداره آگاهی شاپور ( وحدت اسلامی ) منتقل شده و به ترتیب در هریک بشدت شکنجه و مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. زندانیانی که به این ترتیب بازداشت شده اند گفته اند که در اداره آگاهی وحدت اسلامی از اینکه چرا بازداشت شدگان را در مراکز قبلی اینقدر زده اند که جا برای آنها نگذاشته اند اظهار ناراحتی می کردند ولی با این حال باز هم به شکنجه و ضرب و شتم شدید آنان ادامه داده اند.

نکته قابل توجه که توسط بازداشت شدگان بیان شده این است که شکنجه گران ضرب و شتم را با لذات و توام با خنده و مسخرگی و بازی انجام می دادند.

– گفته شده که با باتوم بطوری سمت چپ سر را شکسته اند و بعد برای متقارن بودن آن سمت راست را هم شکسته و خندیده اند.

– یا حین ضرب و شتم دسته جمعی زندانیان کسی آمده و گفته که نباید اسیر را آزار داد و بقیه را کنار زده، بعد خودش بشدت زندانیان را کتک زده و بعد وقتی خسته شده دوباره به بقیه دستور کتک زدن داده است.

– شخصی بیان کرده که وقتی درخواست کرده دستبند سفتش را کمی شل کنند چنان آن را سفت کرده اند که توی گوشت دستش فرو رفت و مدت ها به همین شکل به این سو و آن سو کشیده شده است.

– برخی زندانیان گفته اند که ۴ روز ما را روی زانو مقابل دیوار نشانددند و اگر خوابمان می برد با باتوم بشدت توی سرمان می کوبیدند. در این مدت فقط دو بار خوراک بسیار مختصر داده شده است.

– یکی از زندانیان گفته که بار اول که مرا باتوم برقی زدند از شوک آن دو متر پرت شدم ولی بعد آنقدر مرا کتک زده اند که حالا وقتی آنرا روی دستم می کشند هیچ عکس العملی ندارم.

– افراد قوی هیکل تر را بیشتر مورد ضرب و شتم قرار داده اند به این بهانه که نیروهای امنیتی را زده اند یا تخریب اموال عمومی انجام داده اند.

– ضرب و شتم دسته جمعی بازداشت شدگان، ضرب و شتم سر و صورت با پوتین حتی افراد مجروح، ضرب و شتم با کابل و زنجیر و باتوم و باتوم برقی غیر از کتک با مشت و لگد دیده و گفته شده است.

– شاهد می گوید پشت برخی مجروحان بر اثر ضرب و شتم کاملا سیاه با آثار خونینی از کابل و زنجیر و غیره بود.

– شکستی استخوان مچ و دست و پا بسیار دیده شده است

### اعتصابات عمومی گسترده، اقدامی در جهت نشانه گیری تمامیت نظام دیکتاتوری!

سازمان جهانی جوانان سوسیالیست
http://www.onesolutionrevolution.com

طی هفته های گذشته همه انسانهای تحت ستم در دنیا شاهد مبارزه شجاعانه مردم ایران علیه دیکتاتوری ملایان مذهبی بودند. هزاران نفر، روزهای متمادی و علیرغم سرکوب شدید و وحشی گرایانه نیروهای مسلح رژیم ایران و با وجود کشته شدن شاید بیش از صدو پنجاه نفر، در خیابانها حاضر شدند.

در طول تاریخ دیکتاتوری رژیم اسلامی،ایران هرگز شاهد چنین مبارزات گسترده و پر قدرتی نبوده است. این جنبش نشان از این دارد که امکان سرنگونی دور از انتظار نیست.

سوال اساسی که اکنون برای ما مطرح است این است که چگونه می توان این نارضایتی ها و اعتراضات عمومی را به سمتی پیش برد که ضامن فنای رژیم اسلامی ایران است.

ما در سازمان جهانی جوانان سوسیالیست، خود را در کنار و همصدا با مبارزات مردم ایران می دانیم و بر این عقیده ایم که این جنبش باید در سمتی حرکت کند که تمامیت رژیم اسلامی را نشانه رود. درخواست ما از همه فعالان مترقی، کارگران و کارمندان و جوانان دنیا این است که با حمایت از این جنبش ، بر شدت فشار بر حکومت جور ایران بیفزایند.

پیشنهاد ما بر این جنبش گسترده در این شرایط خطرناک سرکوب و خفقان، و پاسخ ما به سوال چگونگی گسترش این جنبش به یک انقلاب موارد زیر است:

نخست اینکه ما نباید هیچ اعتماد و توهمی به موسوی و همپیمانانش داشته باشیم. اینها نمایندگان اپوزسیون واقعی در ایران نیستند. موسوی خود از زمره کسانی است که برای برقراری حکومت دیکتاتوری کنونی در دهه شصت، حضوری فعال داشت و کمکهای فراوانی کرد. او نماینده طبقه حاکم است و می خواهد تعادل قدرت را درون چهارچوب نظام اسلامی، به سمت و نفع خود تغییر دهد. او خواست و تصمیمی بر سرنگونی این دیکتاتوری ندارد و این مسأ له ای است که او را تبدیل به یک همپیمان خطرناک برای جنبش اعتراضی کنونی می کند. به یاد بیاورید هزینه های سنگینی را که دانشجویان طرفدار خاتمی، برای حمایت از او پرداختند بی کوچکترین واکنشی از طرف او برای دفاع از آنان.

دوم اینکه مبارزات و اعتراضات خیابانی می بایستی به یک حمله همه جانبه علیه همه رژیم تبدیل و گسترش داده شود. مسأ له اساسی امروز و اکنون اینست که این حرکت نباید قدرت ابتکار خود را از دست دهد و برای این منظور، بهترین راه حل یک اعتصاب سراسری است. مبارزه، برای ادامه و گسترش و تاثیر بخشی خود، نیاز به مشارکت گسترده و فعال کارگران، کارمندان و اقشار آسیب دیده را دارد. همگامی این قشر و پتانسیل از جامعه با مبارزات، سبب سنگین تر شدن کفه مبارزات به سمت انقلاب و سرنگونی کامل سیستم دیکتاتوری می شود.

همراه کردن اقشار آسیب پذیر اجتماع، کارگران و کارمندان، تکلیفی است که بر دوش فعالین آگاه قرار دارد که با تدوین یک برنامه عمل مشخص، در سدد پیوند دادن خواست دموکراسی با خواست اقتصادی و اجتماعی است. این برنامه می بایست عمدتاً در بر گیرنده موارد زیر باشد:

– تشکیل شوراها در محل کار، محله، دانشگاه و روستاها

–تلاش برای سامان دادن یک اعتصاب عمومی گسترده

–تلاش برای تشکیل اتحادیه های آزاد کارگری و کارمندی و احزاب آزاد

–مبارزه برای برابری حقوق زن و مرد و آزادی و حقوق اجتماعی برابر برای اقلیتهای جنسی

–مبارزه برای استقلال کامل اقلیتهای تحت ستم قومی

–تلاش بر سرمایه گذاری های عظیم دولتی در جهت ایجاد کار برای بیکاران و اقشار ضعیف از طریق گرفتن مالیات از سرمایه داران و ضبط و مصادره شرکتها و بانکهای عظیم و اداره آنان با نیروی مردمی

–سرنگونی رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی در جهت ایجاد آزادی و برابری و دولت سوسیالیستی.